



حمزه دستیار

فعال سابق دانشجویی

جنبش دانشجویی در جهان برای حمایت از فلسطین به پا خواست؛

بیداری غریبی!

مسئله باریکه غزه و جنگ مسلح ترین رژیم جهانی با فقیرترین و دست خالی ترین مردم جهان، فارغ از هر موضوعی و هر شاخص دیگری، جنگ تاریکی و روشنائی یا جنگ زحمت و پستی است. مهم ترین مسئله در این جنگ نابرابر اثبات حق و حقانیت مردم فلسطینی بود که سالهای سال است با قدرت رسانه ای نادیده گرفته شده بود و جهان تصویر صحیحی از حقیقت رژیم غاصب و مظلومیت ملت فلسطین نداشت، پس همین که مسئله فلسطین مسئله اول جهان بماند یعنی اذهان جهان درگیر حقیقت این ماجرا شود که واقعاً موضوع چیست؟ تاریخچه این دعوی بی پایان چیست؟ حق چیست و در نهایت چه باید بشود؟ ملت های آزاده جهان از چه کسی باید دفاع کنند؟ پس از ۷ اکتبر جهان دوباره متمرکز بر این منطقه و این موضوع شد، ابر چالش جهانی که با خیانت عرب های حاشیه خلیج فارس در عادی سازی روابط با رژیم غاصب، حمایت خونخواران آمریکایی و سکوت جامعه جهانی در حال اضمحلال ملت رنج کشیده فلسطین و پاک کردن آرام و مستمر آنان از نقشه جغرافیایی بود، ۱۷ اکتبر صاعقه روشنائی در دل تاریکی بود و یعنی برهم زدن معادلات عربی-عبری غربی و شروع احقاق حق ملت واقعی فلسطین! این صاعقه اما نیازمند ادامه بود، حمایت تسلیحاتی، پشتیبانی همه جانبه، حمایت رسانه ای، حمایت بین المللی و مردمی و ... جمهوری اسلامی ایران و محور قهرمان مقاومت در بهترین توان خود این پشتیبانی ها را عملیاتی می کنند اما غول رسانه ای قدرت و ثروت جهانی با مدیریت شیاطین بین المللی همواره واقعیت را برعکس جلوه داده و انسان اروپایی-آمریکایی را مسخ دروغ و سحر و جادوی خود کرده بود تا اینکه بعد از ۷ اکتبر و نمایش کشتارگاه حیوان های صهیونیست و نسل کشی مظلومان فلسطینی، حمله قدرتمند جمهوری اسلامی، حمایت غیرتمندانه یمنی ها و البته کار رسانه ای فوق العاده الجزیره اذهان این ملت ها را هم بیدار کرد. آنچه بیش از همه چیز اهمیت داشت استمرار دفاع و حمایت از فلسطینیان بود، استمرار راهپیمایی ها، استمرار حمایت رسانه ای و استمرار مرگ بر صهیونیست بود، شروع این ماجرا با سیدعلی خامنه ای بود، باید شریان های اقتصادی رژیم غاصب قطع می شد، این مطالبه و این فرمان یا شاید بهتر بگوییم این خط و نشان رهبر انقلاب اسلامی ایران بود که باعث شد یمن دریای سیاه را، ترکیه تامین اقتصادی را و اعراب برنامه سازش را متوقف کنند و حالا باید این استمرار به همه جهان تزریق می شد، باید در جهان هر آزاده ای سمت فلسطین و هر خائن، هرزه و بی وجودی سمت اسرائیل می ایستاد، تجمعات میلیونی مردم انگلستان، استرالیا، آمریکا و کانادا نشان می داد، اپوزیسیون اندک جمهوری اسلامی در غرب کنار اسرائیل است و مردم غرب در کنار آزادگان جهان و حکومت هایشان در کنار خائنین جهانی می ایستند، شاید این تجمعات الان که آمریکا حمایت خود را از اسرائیل کمتر کرده و صادرات سلاح را محدود کرده بهتر ارزش خود را نشان می دهد، نکته اصلی اینجا بود تجمعات در لندن بود نه در ریاض، در ونکوور بود نه در امان و ...

اوج این ماجرا اما یک جنبش دانشجویی ضد جنگ، ضد صهیونیستی و آزاده بود، جنبشی که در درون دانشگاه مثلا آزادترین کشورهای جهان، پلیس مسلح را دید، تک تیرانداز را دید، کتک خورد، بازداشت شد، ستاره دار شد، تعلق شد، اخراج شد، شاهد کتک خوردن پروفیسور ها و اساتید برجسته دانشگاهی بود اما در دفاع از انسانیت و حقانیت کوتاه نیامد و مانند کوه کنار غزه و فلسطین ماند و فریاد مرگ بر اسرائیل را از جغرافیای کوچک مقاومت به کل جهان صادر کرد. جنبش دانشجویی امروز آمریکا و غرب را با هیچ برجستگی نمی توان نادیده گرفت، زیر سوال برد و یا از اهمیت آن کاست، آن ها نه عضو گروه سیاسی هستند، نه بسیج دانشگاه امام صادق (ع)، نه حکومتی و نه هیچ ملاحظه سیاسی - مذهبی یا ... نیستند، بلکه بیش از ۴۹ دانشگاه دیگر در سرتاسر آمریکا و برخی دیگر از کشورهای غربی مانند: استرالیا، (دانشگاه های ملیبورن و سیدنی)، کانادا (دانشگاه های مک گیل و کنکوردیا)، فرانسه: (موسسه مطالعات سیاسی پاریس و دانشگاه سوربن)، ایتالیا: (دانشگاه ساپینزا)، انگلستان: (دانشگاه های لیدز، کالج لندن و دانشگاه وارویک) هستند. آن ها جوانانی با ضمیری پاک، مدافع حقانیت و دشمن زحمت اند و به قول آیت الله خائری شیرازی آن ها پاکان عالم اند و جهان در حال تفکیک است، ما پاکان عالم را از شما جدا می کنیم و شما هرزه ها و نجاست ما را از ما جدا می کنید تا حق و باطل صف آرایی کنند.

لذا جنبش دانشجویی قهرمان غریبی با حضور قدرتمند و حر خود مسئله فوق العاده مهم استمرار حضور ملت ها در محکومیت رژیم غاصب را به بهترین شکل ممکن نشان داد و این مهم ترین حمایت ممکن بین المللی از غزه و فلسطین بود، در وهله دوم نشان داد حتما ملت ها و حکومت های غریبی دو موضوع جدا و مستقل هستند، ملت های آزاده و حکومت هایی جنایتکار و در وهله سوم دروغ آزادی و آزاداندیشی در غرب برای همیشه برملا شد، پوتین های نظامیان، سلاح های سنگین، کتک زدن ها و اخراج ها تازه داشت به جهان سومی ها نشان می داد حرف های حقوق بشری، آزادی مدنی و ... در جهان اول بی معناست و صرفاً ابزاری برای سرکوب ها، تحریم ها و فشارها بر جوامع دست چنم یا مستقل است. چند تیر از نشریات و رسانه های غریبی بهتر این موضوع را اثبات می کند:

- بیش از ۱۷۰۰ معترض دانشجویی حامی فلسطین طی دو هفته گذشته در دانشگاه های سراسر ایالات متحده از جمله «دانشگاه تگزاس» در آستین، «دانشگاه چاپل هیل» کارولینای شمالی، «دانشگاه پلی تکنیک ایالتی کالیفرنیا» در هامبولت و دیگر مراکز دانشگاهی دستگیر شده اند.

- برخی از دانشجویان بر اثر شلیک گلوله از صورت، چشم و پا مصدوم شده اند.

- در جریان اعتراضات روزهای گذشته در ایالات متحده صدها دانشجو و برخی استادان دانشگاه های مختلف این کشور بازداشت شده اند.

- این اعتراضات در بسیاری از دانشگاه ها به خشونت کشیده شده است چون مأموران پلیس و گارد ملی و ایالتی با مداخله خشونت بار به دنبال برچیدن پادریها تحصن دانشجویان برآمده اند.

- همچنین تعدادی (نامعین) از دانشجویان دانشگاه های آمریکا نیز تعلق، مشروط و در موارد نادری از دانشگاه اخراج شده اند.

جنبش دانشجویی غریبی و نحوه مواجهه حکومت ها با آن خود دستاورد بزرگیست که در پرتو مسئله فلسطین بوجود آمد و این موضوع بهتر اثبات می کند که این ملت های جهان نیستند که فلسطین را آزاد می کنند، این فلسطین است که جهان را آزاد و بیدار می کند، فلسطین معیار و شاخص آزادی، حقیقت و بیداری است، و این فلسطین است که برخی مسلمانان جهان را در کنار شیطان و برخی غیرمسلمان جهان را در کنار حق و حقیقت قرار می دهد. این حقانیت است که یمن (فقیرترین کشور منطقه) را در مقابل قوی ترین کشورهای جهان (آمریکا و انگلیس) قرار می دهد و پیروز می کند و این اراده آزادگان جهان است که موشک های دست چنم رضوان را بر سر قوی ترین، مسلح ترین و محافظت شده ترین نقطه جهان (توانیم) فرود می آورد. در نتیجه جنبش دانشجویی غریبی نه بعنوان یک حرکت عمومی مردمی، نه بعنوان یک حرکت نخبگانی، نه بعنوان یک جنبش پاک و بی غل و غش، بلکه بعنوان یک رسانه مستقل آزاده مردمی حرکت جهانی حق علیه باطل را استمرار داده تا جهان تماشگر ببیند تنها ایران و یمن و مقاومت نیست که حامی غزه است بلکه جهان انسانیت است که در مقابل حیوان صهیونیستی و حامیان ثروتمند و قدرتمندش ایستاده و می ایستد. آنچه اینها را غیرقابل تحریف می کند چغیه ها و نمادهای مقاومت بر چهره جوانان آمریکایی و اروپایی است، تصاویری که زبان جهانی رسانه ای عشق علیه ظلم است. جنبشی که به لحاظ فراگیری بی شباهت به جنبش وال استریت و جنبش ضد آپارتاید دهه ۱۹۸۰ نیست که در آن دانشجویان شرکتهایی را که با آفریقای جنوبی عصر آپارتاید، تجارت داشتند، هدف قرار دادند و در نهایت بیش از ۱۵ دانشگاه و دانشکده را وادار به قطع سرمایه گذاری با این کشور کردند. این بیداری جهانی نتیجه از خودگذشتگی ملت صبور و مظلوم فلسطین و نزدیک به ۴۰ هزار شهید است، نتیجه تاب آوری و مقاومت ۵۰ ساله ملت ایران است و نتیجه غیرت محور مقاومت و البته مدیریت و تدبیر سیدعلی خامنه ای است.



Free
Palestine



هم صدا با دانشجویان غرب

دانشگاهیان ایران در تجمعاتی از دانشجویان آمریکایی و اروپایی ضد صهیونیستی حمایت کردند؛



جنگ رژیم صهیونیستی علیه غزه که از پاییز سال گذشته آغاز شد، جرقه برنوری برای جان گرفتن دوباره جنبش دانشجویی در هزاران کیلومتر دورتر در آمریکا و دیگر کشورهای غربی شد. اعتراضات روزانه در دانشگاه‌های مختلف آمریکا نشان می‌دهد که جنبش دانشجویی این کشور که اکنون بر سر توقف جنگ اسرائیل علیه غزه در حال دست و پنجه نرم کردن با نیروهای امنیتی و پلیس آمریکاست، یکی از مهمترین دوران خود را سپری می‌کند. آمار منابع آمریکایی دستگیری و بازداشت بیش از ۳۰۰۰ دانشجوی و استاد دانشگاه معترض آمریکایی علیه جنگ غزه را تأیید کرده و موج بازداشت‌ها و خشونت پلیس علیه دانشجویان معترض حامی فلسطین، سررودای بسیاری به پا کرده است. حتی برخی کارشناسان، جنبش دانشجویی فعلی در آمریکا را که علیه جنگ غزه شکل گرفته است، با دیگر جنبش‌های دانشجویی ضد جنگ در آمریکا در دهه‌های گذشته از جمله جنبش دانشجویی ضد جنگ در دوران جنگ ویتنام مقایسه کرده‌اند.

به دنبال اعتراضات شدید دانشجویان آمریکایی، جنبش دانشجویی ایران نیز در تجمعات سراسری، ضمن محکومیت سرکوب دانشجویان غربی توسط نیروهای امنیتی حمایت خود را از دانشگاهیان غربی اعلام کردند. در همین راستا «خبرنامه کاغذی دانشجویان ایران» در گفت‌وگو با فعالین دانشجویی دانشگاه‌های ایران به بررسی ابعاد مختلف جریان‌ات اخیر دانشجویی در غرب به خصوص آمریکا پرداخت. که در ادامه می‌خوانید:

تحصن و اعتراض دانشجویان و اساتید بیش از ۲۰۰ دانشگاه در آمریکا که امروزه موجب تحیر و تحسین آزادگان جهان شده و به خوبی توانسته الگوی بسیاری از کشورها باشد، محل بحث و تحلیل بسیاری از تحلیلگران و فعالان حوزه‌های سیاسی-اجتماعی شده، که از چند جهت این مسئله قابل بررسی است.

بهد اول بحث تاریخی‌چهی جنبش ضد صهیونیستی در آمریکا است؛ همان‌طور که مشخص است شکل‌گیری جنبش دانشجویی در آمریکا، تقریباً به ابتدای سده‌ی نود برمیگردد، که در دهه‌ی ۳۰ نمود خودش را به شکل اعتراض به نرخ بیکاری و تبعیض‌های نژادی نشان داد و بعدها سمت و سوی دیگری گرفت و مثلاً در دهه‌ی ۱۹۶۰ توانست در مخالفت با جنگ ویتنام کارآمدی خودش را نشان دهد.



حمیدرضا معروفخانی

دبیر سیاسی اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان

ناظر به بحث فلسطین هم از همان زمان‌ها مجموعه‌ها و تشکل‌های سازمان یافته‌ی ضد صهیونیسم در آمریکا فعالیت می‌کردند که اقداماتی هم داشته‌اند مثل «تجمع در مقابل کنگره آمریکا در سال ۱۹۲۱» و تشکیل سازمان‌هایی مثل «سازمان فلسطین ضد صهیونیسم» که بعداً به «اتحادیه ملی فلسطین» تغییر نام داد و بعد از آن تحت عنوان «اتحادیه ملی عرب» فعالیت خودش را ادامه داد. آنچه که مشخص هست این است که، عضوگیری این تشکل و تشکیل سازمان‌هایشان به مهاجرت دهه ۳۰ و ۴۰ مردم فلسطین برمی‌گردد که از فلسطین به آمریکا مهاجرت کرده بودند و جذب آن دانشجویهای فلسطینی در دانشگاه‌های آمریکا که خود این مسئله منجر شد که یک آگاهی‌بخشی زیادی توسط دانشجویهای فلسطینی مهاجرت کرده به آمریکا رقم بخورد و بتواند به قوام ادامه‌ی مسیر این تشکل‌ها و این مجموعه‌ها کمک کند. مشخصاً آنچه که وجود دارد این است که دانشجویهای فلسطینی نه فقط در بحث ضد صهیونیسم بلکه در اعتراضاتی که علیه جنگ ویتنام در سال ۱۹۶۸ رقم خورد نقش خیلی موثری داشتند، کما اینکه این مسئله هم برمیگردد به شکست مردم فلسطین از رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۶۷ که به سرعت بعد از آن یک گروه آزادسازی فلسطین تشکیل شد و جنبش فلسطینی خیلی گسترده‌تر به فعالیت خودش ادامه داد؛ در سال ۱۹۶۸ در کنار سایر دانشجویان آمریکایی به اعتراض علیه جنگ ویتنام پرداختند و آن چیزی که امروزه از اعتراضات و تحصن دانشجویان به ذهن متبادر می‌شود، شباهت این مدل از اعتراضات و تجمعات به همان اعتراضات سال ۱۹۶۸ است و وهم و ترسی هم که رژیم ایالات متحده‌ی آمریکا احساس کرده که موجب می‌شود که به این شکل پلیس را، گارد ملی را و بعضاً شنیده شده در یکسری دانشگاه‌ها حتی ارتش را، به حضور رویدادهای مهم، مثل اکتبر ۱۹۷۲ و اعتراضاتی که در پی حمله به بیروت در سال ۱۹۸۲ و انتفاضه‌ی اول در سال منجر به توقف جنگ در ویتنام شده و مجدداً با موج جدیدی از مهاجرت‌ها توسط فلسطینی‌ها به آمریکا در سال ۱۹۷۰ آغاز شد، مجدداً این جنبش فلسطینی ضد صهیونیسم احیا شد و منجر به تشکیل سازمان‌های متعددی از جمله «سازمان دانشجویان عرب» ، «اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطینی» و «انجمن فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های عربی آمریکا» شد و قطعاً توانست نقش خودش را در بروز و ظهور رویدادهای مهم، مثل اکتبر ۱۹۷۲ و اعتراضاتی که در پی حمله به بیروت در سال ۱۹۸۲ و انتفاضه‌ی اول در سال ۱۹۸۷ داشت نشان بدهد و در بعضی از زمان‌ها این جنبش که ضد ظلم بوده است، رنگ و بوی دیگری به خودش پیدا می‌کرده؛ مثلاً در سال ۱۹۸۰ اینها می‌آیند از آفریقای جنوبی علیه آپارتاید حمایت میکنند و فعالیتشون صرفاً ناظر به یک موضوع و معطوف به خود فلسطین نبود. این به لحاظ تاریخی.

اما نکته‌ی دیگری وجود دارد و آن اینکه تا دهه‌ی ۹۰ با وجود همه‌ی مخالفت‌ها و منعبت‌هایی که دولت آمریکا علیه این جنبش‌ها ایجاد میکرده ولی مسیری که پیش‌روی اینها بوده مسیر پیشرفت چه به لحاظ کمی و چه به لحاظ کیفی و عضوگیری اینها بوده و فعالیت‌شان هر روز پررنگ‌تر می‌شده، تا زمانی که توافق‌نامه‌ی «اسلو» در سال ۱۹۹۳ که بین دولت خودگردان فلسطین و رژیم صهیونیستی رقم می‌خورد این تقاضا نامه موجب می‌شود که بهانه‌های دست دولت آمریکا داده بشود و محدودیت‌های بسیار جدی علیه جنبش دانشجویی فلسطینی آغاز بشود و اتفاقاً عبارت «یهود ستیزی» از همین زمان ابداً می‌شود و این یهود ستیزی تهمت می‌شود به دانشجویان و هر کدام از افرادی که در دانشگاه‌های آمریکا در حمایت از فلسطین فعالیت انجام می‌دادند. این به لحاظ تاریخی.

ناظر به ابعاد دیگر این مسئله و تأثیری که گذاشته است چیزی که مهم است این است که این تحصن‌ها از دانشگاه‌های بسیار مهمی شروع شده‌اند؛ ابتدا دانشگاه «جرج واشینگتن» و «شیکاگو» یک تحصن چند روزه انجام دادند، از دانشگاه «کلمبیا» به شکل جدی تحصن‌ها شروع شد، بعد به دانشگاه «هاروارد» تسری پیدا کرد بعد به «ام‌تی‌سی»، «پیل» و «پرنستون» و این مسئله در کل ایالت‌های آمریکا برآکنده شد و در حال حاضر بیش از دویست دانشگاه آمریکا همچنان در حال اعتراض هستند و اعتراض دانشجویان و اعضای هیئت علمی را به خودشان می‌بینند.

افزایش اعتراضات در شرایطی بوده که دولت آمریکا و دولت‌های ایالتی به شکل جدی تهدید به اخراج دانشجویان و اساتید انجام می‌دادند ولی با اینکه ممکن بود این هزینه سنگین برای هر دانشجویی رقم بخورد، شاهد افزایش کمی و کیفی آن هستیم. آنچه که بسیار مهم است این است که علاوه بر دانشجویان، ما شاهد اعتراض برخی از اساتید دانشگاهی هم هستیم. اما در تحلیل نسبت دانشجویان و اساتید به کل بدنهی دانشجویی و اسنادی دانشگاه‌های آمریکا، به کلیت است که دانشجویانی که معترض هستند اکثریت دانشجویان را پشتیبانی و نمایندگی می‌کنند؛ کما اینکه در نظرسنجی‌ها اینطور مطرح شده که ۵۱ درصد جوانان آمریکا طرفدار حماس هستند؛ این جوان‌های ۱۸ تا ۲۴ ساله‌ای که این پرسشنامه از آنها انجام شده با اینکه آمریکا حماس را یک گروه تروریستی معرفی کرده و همه‌های بسیار زیادی در سالیان مختلف به شکل فرهنگی علیه اسلام وجود داشته، در آمریکا اسلام را به نام داعش و النصره و القاعده و ۱۱ سپتامبر می‌شناسند با این حال ۵۱ درصد از جوانان آمریکا طرفدار حماس هستند.

اینجا اتفاق جیتی را از طرف جنبش دانشجویی شاهد بودیم که توانست مردم را هم پای کار بیاورد و به تجمعات دانشجویی مردمی خوبی منجر شد از ابتدای ۷ اکتبر، اما الان شاهد این مسئله هستیم که شاید این مسئله عادی‌سازی شده و دانشجویان این بحث فلسطین را اولویت فکری و فعالیتی خودشان نمی‌دانند.

بحث دیگری که درباره‌ی دانشگاه‌های آمریکا وجود دارد درباره‌ی اعتراض اصلی آنها و خواسته‌ی آنها از تجمع است که ابتدائاً بحث توقف جنگ نا عادلانه و نابرابر و تغییر سیاست‌های آمریکا درباره‌ی رژیم صهیونیستی بود که شامل توقف حمایت‌های مالی و تسلیحاتی و همچنین تعامل و سرمایه‌گذاری‌های طرفین بین این دو کشور می‌شد. منتها بعد از مخالفت‌های شدید دولت و حضور جدی پلیس در بین اعتراض‌گرها، اعتراضات افزایش پیدا کرد؛ هم ناظر بر موضوع اول و هم ناظر بر محدودیت‌های سنگینی که نقض آزادی بیان را انجام میداد و حق استفاده‌ی دانشجویان از حقوق خودشان در آزادی بیان و نظرت خودشان را سلب می‌کرده یعنی ابتدائاً بحث توقف جنگ بود و در ادامه با توجه به اقدامات پلیس، به اعتراض علیه محدودیت‌های سنگین و نقض آزادی بیان هم کشیده شد.

متأسفانه آنچه که سیاست‌مداران آمریکایی انجام می‌دهند این است که به این اعتراض‌ها تهمت یهود ستیزی می‌بندند؛ اما نکته‌ی جالبی که وجود دارد، وجود و حضور دانشجویهای مختلف از ادیان و کشورهای مختلف در این اعتراضات و اتفاقاً حضور یهودیان در این اعتراضات است؛ که در واقع کاملاً به بحث یهود ستیزی پاسخ می‌دهد و آن را به مطلبی شبیه به لطفیه تبدیل می‌کند.

نبرد طوفان الاقصی با شروع خود تأثیرات جدی و مهمی را در ابعاد بین‌المللی در سطوح اجتماعی سیاسی امنیتی نظامی و فرهنگی بر جای گذاشت و همین موارد منجر به بروز پدیده‌ها و سلسله‌ای از حوادث در نقاط مختلف جهان شد و رخداد آنها تنها در موارد معدودی در تاریخ معاصر همچون جنگ ویتنام تا حدی سابقه داشته است. این تجاوز وحشیانه رژیم صهیونیستی به باریکه غزه و نسل کشی فلسطینیان توسط این موجودات بی‌رحم نازی صفت منجر به بیداری روح‌های در خلسه، به ویژه در غرب و ایالات متحده که تحت سانسورینگ شدید رسانه‌ای و پروپاگاندای صهیونیستی هستند شده است.

در این موضوع شاید بتوان موثرترین منطقه متأثر از حوادث ۷ اکتبر را دانشگاه‌ها در اروپا و آمریکای شمالی توصیف کرد، مکان‌هایی که تا پیش از این فضا صرفاً برای بروز و ظهور مسائل علمی و سیاسی ر حیطه‌هایی که به هیچ عنوان ربطی به صهیونیسم نداشتند، فراهم بود. به طور مثال اولین پس لزه‌های تهاجم رژیم به کودکان و زنان فلسطینی در میان اساتید دانشگاه و فیلسوفان غربی به وجود آمد، تا جایی که شاهد بودیم فیلسوفانی چون اسلاووی ژیزک که در بازگشایی نمایشگاه کتاب فرانکفورت، سخنانی بر زبان راند که با استانداردهای صهیونیستی، علیه منافع اسرائیل بود و مجبور شد یادداشتی در دفاع از وضعیت منتشر کند ولی در همان نوان سخنانی از حجم جنایات رژیم چشم‌پوشی کند و بورگن هابرماس نیز در اوایل جنگ، بیانیه‌ای منتشر کرد که مشخصاً در توجیه و تئوریزاسیون قتل عام صهیونیست‌ها بود ولی در عمل، در تضاد فکری با اندیشه‌های خودش بود. در هر دو مورد، این اشخاص در نهان و چه بعضاً آشکارا، این فلاسفه شهیر به دلایل مختلف من جمله نادیده گرفتن اصول خود مورد عتاب قرار گرفتند و جایگاه آنها در چشم بسیاری منززل شد.

از طرف دیگر نیز دانشگاه‌های آمریکای شمالی و اروپای غربی دست به اعتراضات گسترده و بست‌نشینی در حمایت از مظلومان و علیه جنگ و جنگ‌ستیزان دندمن تل آویو و واشینگتن و لندن زدند که منجر به تهاجم نیروهای امنیتی، آن هم به پشتوانه رئسای آکادمیک و وزرای کابینه کشورهای خود، به نهاد امن و مقدس دانشگاه شد که جدی‌ترین آن در مراکز چوچ، دانشگاه کلمبیا و هاروارد رخ داد. اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه‌های سراسر کشور نیز به عنوان پیشرو در کنشگری حوزه بین‌الملل از بدو تاسیس خود و میدعد نامه‌نگاری الکترونیکی به اساتید دانشگاه‌های جهان، در پیامی به بیش از دو هزار نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های درگیر، به گفتگوی حول این موضوع پرداخت.

باید در نظر داشت که آنچه در حال وقوع است، چالشی جدید و تهدیدی بنیادین علیه اساس و تبلیغات رژیم شیطان‌ی صهیونیستی است و حتی در صورت سرکوب گسترده آن توسط سازمان‌های اطلاعاتی این کشورها، اثرات عمیق خود را بر تفکرات نسل فعلی و نسل‌های آینده این کشورها خواهد گذاشت و این فرصت بسیار خوب و مناسبی برای فعالیت تشکل‌های دانشجویی ایران در این حیطه است که با اقدامات خود، صدای حمایت از مظلومیت فلسطینیان را چه در تهران و چه در نیویورک و تورنتو حفظ و تقویت کنند.

در روزهای اخیر شاهد موج بزرگی از حمایت دانشجویان و اساتید کشورهای اروپایی و آمریکایی از فلسطین بودیم. می‌تواند برای این جنبشی که راه افتاده با این وسعت بی سابقه و ادامه دار هم هست چند علت را بررسی کنیم.

۱- مهمترین چیزی که ابتدا به ذهن متبادل میشود اینکه این قضیه بعد انسانی دارد و درست است که جنایاتی که توسط رژیم صهیونیستی اتفاق افتاده یک چیز مسیوق به سابقه است و این رژیم نطفه‌اش منعقد شده با جنایات و این چیزی که الان مشاهده می‌کنیم بی سابقه است و کاملاً این نوع رفتار وحشیانه با رژیم صهیونیستی معنوس است. اما به این شکلی که الان چندین ماه از آن گذشته مدام از بمب‌های ممنوعه استفاده می‌کنند و همه موارد حقوق بشر را زیر پا گذاشتند و لگدمال کردند. انواع و اقسام جنایت‌ها را انجام دادند و بیش از سی و پنج هزار نفر از جمله زنان و کودکان را شهید کردند. همین باعث شده که همه مردم دنیا به ویژه کشورهای اروپایی و آمریکایی به دلیل آن بعد انسانی تحت تأثیر قرار بگیرند و به شکل‌های مختلف نسبت به آن واکنش نشان دهند.

۲- دلیل دیگری که از دلیل قبل نیز مهمتر است اینکه این کشورها در عین اینکه میخواهند از فلسطین حمایت کنند به صورت ایجابی نیز با سیاست‌های داخلی کشورهای خودشان یعنی از حاکمیت حکومت آمریکا و کشورهای اروپایی به دلیل حمایت از اسرائیل ناراضی‌اند. دانشجویان آمریکایی و اروپایی درواقع می‌خواهند با چنین اعتراضاتی نشان دهند که علاوه بر که با جنایت های رژیم صهیونیستی مخالفیم و اعتراض داریم به سیاست کشور خودمان نیز. عرض هستیم، به نوعی نشان دادند که به سران و دولت مردان و به نوع سیاست کشور خود که سال هاست از اسرائیل حمایت می‌کنند چه کمک مالی و چه کمک تسلیحاتی مخالف و معترض هستند. به تعبیر رهبر انقلاب اسلامی آمریکا شریک جرم اسرائیل است و این دانشجویان نیز با این اعتراضات صدای مخالفت خود را به حاکمان و سردمداران غربی می‌رسانند و خواستار توقف حمایت از رژیم صهیونیستی هستند.

۳- نکته دیگر و علت دیگر شکل گیری و استمرار اعتراضات دانشجویان آمریکایی این است که عمده این کشورها، کشورهای اروپایی و به ویژه آمریکا است که سال‌ها شعار آزادی، انسانیت و حقوق بشر حکومت‌هایشان گوش همه مردم جهان را کر کرده و مردم این کشورها نیز خودشان را در این عرصه‌ها سردمدار میدانستند یعنی مشاهده می‌کنند آنان که ادعا می‌کردند در حوزه آزادی، دموکراسی و انسانیت حرف اول را می‌زنند اما الان که وقت عمل رسیده است با این همه جنایت بر کودکان، زنان و کهنسال‌ها به نحوی که حقوق بشر به آشکارترین شکل خود نقض می‌شود و حتی نماینده رژیم صهیونیستی در سازمان ملل اساسنامه و قطعنامه آن را در دستگاه خرد کن می‌اندازد اما شعار آزادی و حقوق بشر میدهند. به خاطر همین تناقض‌ها تناقض‌ها است که اعتراض می‌کنند. درواقع به این تناقض‌ها مثلاً نوع برخورد پلیس آمریکا با دانشجویان معترض اعتراض می‌کنند که در مواقع شمار همه از آزادی و حقوق بشر صحبت می‌کنند اما در زمان عمل با بدترین شکل ممکن با دانشجو برخورد می‌شود. این تناقض‌ها را که در گفتار و عمل مشاهده می‌کنند خودشان متوجه میشوند که در واقع این شعارهایی که می‌دادند صرفاً شعارهای تو خالی بوده و مخالفت خود را در قالب‌های مختلف اعتراضی اعلام می‌کنند.

۴- دلیل دیگر این است که دانشجویان در هر جامعه‌ای به هر حال قشر نخبگانی محسوب می‌شوند و در واقع در هر جامعه‌ای نیز این قشر نخبگانی بیشتر به سمت آزادی روحی، آزادی خواهی و عدالت جویی حرکت می‌کنند. ویژگی‌هایی که در دانشجو می‌توان پیدا کرد که تحت تأثیر عدالت وقتی ادله منطقی به آن‌ها نشان داده شود که هر جور حساب‌کنند ببینند حق با مردم مظلوم فلسطین است دنبال حق می‌روند و همین روحیه حق خواهی و عدالت خواهی باعث می‌شود که بیشتر تحت تأثیر قرار بگیرند همین باعث می‌شود سکوت نکنند و نسبت به اتفاقات واکنش نشان دهند.



علی محمودی

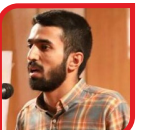
دبیر واحد بین الملل اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل

نبرد طوفان الاقصی با شروع خود تأثیرات جدی و مهمی را در ابعاد بین‌المللی در سطوح اجتماعی سیاسی امنیتی نظامی و فرهنگی بر جای گذاشت و همین موارد منجر به بروز پدیده‌ها و سلسله‌ای از حوادث در نقاط مختلف جهان شد و رخداد آنها تنها در موارد معدودی در تاریخ معاصر همچون جنگ ویتنام تا حدی سابقه داشته است. این تجاوز وحشیانه رژیم صهیونیستی به باریکه غزه و نسل کشی فلسطینیان توسط این موجودات بی‌رحم نازی صفت منجر به بیداری روح‌های در خلسه، به ویژه در غرب و ایالات متحده که تحت سانسورینگ شدید رسانه‌ای و پروپاگاندای صهیونیستی هستند شده است.

در این موضوع شاید بتوان موثرترین منطقه متأثر از حوادث ۷ اکتبر را دانشگاه‌ها در اروپا و آمریکای شمالی توصیف کرد، مکان‌هایی که تا پیش از این فضا صرفاً برای بروز و ظهور مسائل علمی و سیاسی ر حیطه‌هایی که به هیچ عنوان ربطی به صهیونیسم نداشتند، فراهم بود. به طور مثال اولین پس لزه‌های تهاجم رژیم به کودکان و زنان فلسطینی در میان اساتید دانشگاه و فیلسوفان غربی به وجود آمد، تا جایی که شاهد بودیم فیلسوفانی چون اسلاووی ژیزک که در بازگشایی نمایشگاه کتاب فرانکفورت، سخنانی بر زبان راند که با استانداردهای صهیونیستی، علیه منافع اسرائیل بود و مجبور شد یادداشتی در دفاع از وضعیت منتشر کند ولی در همان نوان سخنانی از حجم جنایات رژیم چشم‌پوشی کند و بورگن هابرماس نیز در اوایل جنگ، بیانیه‌ای منتشر کرد که مشخصاً در توجیه و تئوریزاسیون قتل عام صهیونیست‌ها بود ولی در عمل، در تضاد فکری با اندیشه‌های خودش بود. در هر دو مورد، این اشخاص در نهان و چه بعضاً آشکارا، این فلاسفه شهیر به دلایل مختلف من جمله نادیده گرفتن اصول خود مورد عتاب قرار گرفتند و جایگاه آنها در چشم بسیاری منززل شد.

از طرف دیگر نیز دانشگاه‌های آمریکای شمالی و اروپای غربی دست به اعتراضات گسترده و بست‌نشینی در حمایت از مظلومان و علیه جنگ و جنگ‌ستیزان دندمن تل آویو و واشینگتن و لندن زدند که منجر به تهاجم نیروهای امنیتی، آن هم به پشتوانه رئسای آکادمیک و وزرای کابینه کشورهای خود، به نهاد امن و مقدس دانشگاه شد که جدی‌ترین آن در مراکز چوچ، دانشگاه کلمبیا و هاروارد رخ داد. اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه‌های سراسر کشور نیز به عنوان پیشرو در کنشگری حوزه بین‌الملل از بدو تاسیس خود و میدعد نامه‌نگاری الکترونیکی به اساتید دانشگاه‌های جهان، در پیامی به بیش از دو هزار نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های درگیر، به گفتگوی حول این موضوع پرداخت.

باید در نظر داشت که آنچه در حال وقوع است، چالشی جدید و تهدیدی بنیادین علیه اساس و تبلیغات رژیم شیطان‌ی صهیونیستی است و حتی در صورت سرکوب گسترده آن توسط سازمان‌های اطلاعاتی این کشورها، اثرات عمیق خود را بر تفکرات نسل فعلی و نسل‌های آینده این کشورها خواهد گذاشت و این فرصت بسیار خوب و مناسبی برای فعالیت تشکل‌های دانشجویی ایران در این حیطه است که با اقدامات خود، صدای حمایت از مظلومیت فلسطینیان را چه در تهران و چه در نیویورک و تورنتو حفظ و تقویت کنند.



محسن احمدلو

دبیر واحد بین‌الملل دفتر تحکیم وحدت

در روزهای اخیر شاهد موج بزرگی از حمایت دانشجویان و اساتید کشورهای اروپایی و آمریکایی از فلسطین بودیم. می‌تواند برای این جنبشی که راه افتاده با این وسعت بی سابقه و ادامه دار هم هست چند علت را بررسی کنیم.

۱- مهمترین چیزی که ابتدا به ذهن متبادل میشود اینکه این قضیه بعد انسانی دارد و درست است که جنایاتی که توسط رژیم صهیونیستی اتفاق افتاده یک چیز مسیوق به سابقه است و این رژیم نطفه‌اش منعقد شده با جنایات و این چیزی که الان مشاهده می‌کنیم بی سابقه است و کاملاً این نوع رفتار وحشیانه با رژیم صهیونیستی معنوس است. اما به این شکلی که الان چندین ماه از آن گذشته مدام از بمب‌های ممنوعه استفاده می‌کنند و همه موارد حقوق بشر را زیر پا گذاشتند و لگدمال کردند. انواع و اقسام جنایت‌ها را انجام دادند و بیش از سی و پنج هزار نفر از جمله زنان و کودکان را شهید کردند. همین باعث شده که همه مردم دنیا به ویژه کشورهای اروپایی و آمریکایی به دلیل آن بعد انسانی تحت تأثیر قرار بگیرند و به شکل‌های مختلف نسبت به آن واکنش نشان دهند.

۲- دلیل دیگری که از دلیل قبل نیز مهمتر است اینکه این کشورها در عین اینکه میخواهند از فلسطین حمایت کنند به صورت ایجابی نیز با سیاست‌های داخلی کشورهای خودشان یعنی از حاکمیت حکومت آمریکا و کشورهای اروپایی به دلیل حمایت از اسرائیل ناراضی‌اند. دانشجویان آمریکایی و اروپایی درواقع می‌خواهند با چنین اعتراضاتی نشان دهند که علاوه بر که با جنایت های رژیم صهیونیستی مخالفیم و اعتراض داریم به سیاست کشور خودمان نیز. عرض هستیم، به نوعی نشان دادند که به سران و دولت مردان و به نوع سیاست کشور خود که سال هاست از اسرائیل حمایت می‌کنند چه کمک مالی و چه کمک تسلیحاتی مخالف و معترض هستند. به تعبیر رهبر انقلاب اسلامی آمریکا شریک جرم اسرائیل است و این دانشجویان نیز با این اعتراضات صدای مخالفت خود را به حاکمان و سردمداران غربی می‌رسانند و خواستار توقف حمایت از رژیم صهیونیستی هستند.

۳- نکته دیگر و علت دیگر شکل گیری و استمرار اعتراضات دانشجویان آمریکایی این است که عمده این کشورها، کشورهای اروپایی و به ویژه آمریکا است که سال‌ها شعار آزادی، انسانیت و حقوق بشر حکومت‌هایشان گوش همه مردم جهان را کر کرده و مردم این کشورها نیز خودشان را در این عرصه‌ها سردمدار میدانستند یعنی مشاهده می‌کنند آنان که ادعا می‌کردند در حوزه آزادی، دموکراسی و انسانیت حرف اول را می‌زنند اما الان که وقت عمل رسیده است با این همه جنایت بر کودکان، زنان و کهنسال‌ها به نحوی که حقوق بشر به آشکارترین شکل خود نقض می‌شود و حتی نماینده رژیم صهیونیستی در سازمان ملل اساسنامه و قطعنامه آن را در دستگاه خرد کن می‌اندازد اما شعار آزادی و حقوق بشر میدهند. به خاطر همین تناقض‌ها تناقض‌ها است که اعتراض می‌کنند. درواقع به این تناقض‌ها مثلاً نوع برخورد پلیس آمریکا با دانشجویان معترض اعتراض می‌کنند که در مواقع شمار همه از آزادی و حقوق بشر صحبت می‌کنند اما در زمان عمل با بدترین شکل ممکن با دانشجو برخورد می‌شود. این تناقض‌ها را که در گفتار و عمل مشاهده می‌کنند خودشان متوجه میشوند که در واقع این شعارهایی که می‌دادند صرفاً شعارهای تو خالی بوده و مخالفت خود را در قالب‌های مختلف اعتراضی اعلام می‌کنند.

۴- دلیل دیگر این است که دانشجویان در هر جامعه‌ای به هر حال قشر نخبگانی محسوب می‌شوند و در واقع در هر جامعه‌ای نیز این قشر نخبگانی بیشتر به سمت آزادی روحی، آزادی خواهی و عدالت جویی حرکت می‌کنند. ویژگی‌هایی که در دانشجو می‌توان پیدا کرد که تحت تأثیر عدالت وقتی ادله منطقی به آن‌ها نشان داده شود که هر جور حساب‌کنند ببینند حق با مردم مظلوم فلسطین است دنبال حق می‌روند و همین روحیه حق خواهی و عدالت خواهی باعث می‌شود که بیشتر تحت تأثیر قرار بگیرند همین باعث می‌شود سکوت نکنند و نسبت به اتفاقات واکنش نشان دهند.



معصومه محمدزاده

عضو سابق شورای مرکزی اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان

اساساً تعریفی که برای جنبش دانشجویی وجود دارد اینکه وقتی یک گروهی از دانشجویان، هدف یا ایده آلی برای خودشان تعریف می کنند قاعدتاً به سمت آن ایده به صورت جمعی، اختیاری یا داوطلبانه حرکت می کنند. وقتی ما این سه مسئله و این سه کلید واژه را کنار هم قرار دهیم متوجه خواهیم شد که جنبش دانشجویی با حرکت جمعی، اختیاری و داوطلبانه جهت دار برای ایجاد اتفاقی سیاسی و اجتماعی اقدام می کند. این سه وقتی کنار هم قرار میگیرند با یک جهت

برای ایجاد تغییر و تحول سیاسی اجتماعی مناسب است. اگر بخواهیم جنبش دانشجویی را بررسی کنیم باید دو رویکرد مختلف چه در ایجاد تغییر و چه در مقاومتی که در برابر تغییر وجود دارد را بررسی کنیم که حرکت جنبش دانشجویی می تواند حرکت ایجابی یا سلبی باشد که اگر جنبش دانشجویی بتواند یک رویکرد ایجابی و افق گشایی را تعریف کند و پیش برسد در نقش راهبر ظاهر خواهد شد که به عبارتی می تواند هم برای مردم هدایت کننده باشد و هم برای بدنه نخبگانی در قامت یک الگو ظاهر شود. در رویکرد سلبی نیز جنبش دانشجویی در برابر تغییرات و اتفاقات غیراصولی مقاومت می کند که به عبارتی می توان گفت جنبش دانشجویی یک خیزش نه بزرگ به تغییرات غیرعادی است.

در خصوص مسئله فلسطین نیز می توان از دو بعد به اتفاقات و حوادث فلسطین نگاه کرد. یک بعد قاعدتاً بعد انسانی و به عبارتی رویکرد طبیعی نسبت به همه قشرهای بیدار جامعه است که یک همچنین حرکتی و یک همچنین کاری را مشاهده می شود و در برابر اتفاقات مختلف پیامدهای آن واکنش نشان می دهند. پس بعنوان یک جمع و جنبشی مثل جریان دانشجویی که دارای هویت است نیز باید طبیعی باشد که در برابر هر اتفاق مهمی از جمله جنایات رخ داده در فلسطین از خود واکنشی نشان دهد و ساکت نباشد. از جنبه سلبی هم اگر بخواهیم مسئله را بررسی کنیم به عبارتی مقاومت در برابر یکسری از تغییر و تحولاتی که در نوع انسان و در مناسبات جهانی اتفاق می افتد مقاومت می گیرد و با دانشجویانی که بخواهند از مسئله فلسطین دفاع کنند نیز برخورد می کنند. که در ادامه هم دیدیم دانشجویان مختلفی در این ادعا را داشت که دنبال عدالت، انسانیت، تعادل در اجتماع و به عبارتی دنبال جامعه آرمانی است و اگر در برابر مسئله فلسطین کنش و موضعی نمی گرفت باید تعجب کرد.

پس اگر بخواهیم این مسئله را بررسی کنیم در نسبت با مسئله فلسطین جنبش دانشجویی هم حرکت سلبی باید داشته باشد هم حرکت ایجابی. به عبارتی حرکت سلبی همین کنش هایی است که اخیراً در اروپا و آمریکا به وجود آمد و دانشجویانی که یک سری از کنش ها را دارند انجام می دهند و یک نه بزرگ را به سیاست های حمایتی کشورهای خود از رژیم صهیونیستی را فریاد می زنند که قاعدتاً با توجه به ساختار و حاکمیتی که در خصوص مسئله فلسطین در اروپا و آمریکا مشاهده می شود حمایت از جنایات اسرائیل نسبت به فلسطین را در پیش می گیرد و با دانشجویانی که بخواهند از مسئله فلسطین دفاع کنند نیز برخورد می کنند. که در ادامه هم دیدیم دانشجویان مختلفی در دانشگاه های اروپایی و آمریکایی دستگیر شدند و با برخی از دانشجویان نیز برخورد اجتماعی رخ داد و حتی با معترضین برخورد سخت انجام شد و ضرب و شتم شدند و همچنان در حال برخورد با این جنبش هستند.

حال اگر این خیزش به خود یک رویکرد ایجابی بگیرد می توان گفت نه تنها به خاطر فلسطین بلکه برای مسائل مختلف اجتماعی، سیاسی، حقوق بشر و ... این فضا ادامه پیدا خواهد کرد. یک افقی را در این مسئله می تواند ایجاد کند که با باز کردن این افق می توان گفت علاوه بر فلسطین اگر هر جای دیگر نیز همچین مسئله ای خارج از عدالت ایجاد و به عده ای ظلم شود، چه داخل و چه خارج از مرزهای آمریکا و اروپا به همچین مسئله خارج از فرآیند طبیعی زندگی بشری برسیم که در راستای قدرت طلبی یک عده باشد جنبش دانشجویی آن هویت مستقل خودش را به دست آورده است که واکنش نشان دهد و مواضع خود را در شرایط مختلف بیان کند.



محسن چراغی

مسئول بسیج دانشجویی دانشگاه شاهد

اعتراضات دانشجویی در آمریکا در حمایت از فلسطین را می توان پدیده جدیدی در نظام سیاسی و اجتماعی در این کشور دانست. اما این پدیده تا چه اندازه اهمیت دارد؟ آیا می تواند تبدیل به یک موج اجتماعی بزرگ در بزرگترین کشور حامی اسرائیل بشود؟ برای پاسخ به این سؤال با دوستان بسیاری مشورت کردم که از قلب این اعتراضات مطلع بودند. نهایتاً به این نتیجه رسیدیم که این اعتراضات قطعاً پدیده جدیدی است زیرا: این حجم فراگیری در دانشگاه ها مخصوصاً

بزرگترین دانشگاه های آمریکا قابل تصور نبود. نظام رسمی و غیررسمی آمریکا با سخت ترین برخوردها با ادعای یهودستیزی با هر حمایتی از فلسطین برخورد حذقی و خشن دارد و معترضین آینده خود را فدای آرمان هایشان می کنند. امپراطوری رسانه ای کامل در خدمت سانسور جنایات و مظلوم نشان دادن اسرائیل است. علاوه بر دانشجویان برای اولین بار تعداد قابل توجهی از اساتید و مدیران دانشگاه ها هم با معترضین همراهی می کنند. اعتراض اجتماعی روی دو شکاف اجتماعی عمیق آمریکا، یعنی نژادپرستی و اختلاف طبقاتی مانند جنبش وال استریت، طبیعی است. اما این حجم اعتراض روی موضوعی کاملاً سیاسی بدون سابقه ای از زمینه های شکاف اجتماعی کاملاً جدید است و غیرقابل پیش بینی بود. اما به نظر نمی رسد که می توان انتظار موج اجتماعی گسترده ای علیه اسرائیل در آمریکا باشیم. اول اینکه مسئله حمایت از فلسطین یک شکاف اجتماعی گسترده در جامعه آمریکایی نیست. دوم اینکه به دلایل سیاسی نبودن مردم آمریکا، به نظر می رسد جنبش دانشجویی در این کشور برای ایجاد جریان اجتماعی کار دشواری خواهد داشت. سوم اینکه نظام حاکمیت آمریکا به شدت با تمام قوای حاکمیتی و امپراطوری رسانه ای با ترس و تهدید، اجازه همراه شدن افراد مرجع اجتماعی و سیاسی با جنبش دانشجویی را نمی دهد. اما می توان گفت علی رغم پیش بینی ناپذیر بودن موج اجتماعی گسترده، اتفاق صورت گرفته به دلایلی از اهمیت خیلی زیادی برخوردار است:

- اولین بار است که موضوعی سیاسی تبدیل به جنبش دانشجویی با این گستردگی می شود و این یعنی نخبگان جامعه آمریکا علی رغم سانسور گسترده رسانه ای پیام مهمی را می گیرند.
- این سؤال که «چرا به اسرائیل این همه کمک مالی کنیم» در افکار عمومی آمریکا با تغییر نسل در آمریکا بسیار گسترده شده است و زمینه پذیرش اجتماعی لابی دارد. اعتراضات دانشجویی این گزاره را به شدت پررنگ تر کرده است.
- صدای داخل مردم آمریکا به دنیا رسیده است و ضعف داخلی آمریکا برای حمایت بیشتر از اسرائیل آشکار شده است و باعث تقویت اراده مقاومت می شود.

- اتفاق بسیار مهم، که تأثیری کاملاً عینی و زودبازده می گذارد، این است که عمده معترضان دانشجویی در گفتمان طیف چپ حزب دموکرات که امثال برنی سندرز آن را نمایندگی می کنند قرار دارند. این طیف نه تنها رای مهمی برای بایدن در انتخابات آمریکا محسوب می شوند؛ بلکه بردن ترامپ توسط دموکرات ها با لوگوموتیو فعال این طیف ممکن شد و دموکرات ها بهتر از هر کس دیگر می دانند که نیاز دارند این طیف جوان و فعال را در برابر ترامپ با خود همراه کنند. آن ها منتقدان درون حزبی بایدن هستند که اکنون حمایت از فلسطین نیز به انتقادهایشان اضافه شده است. علی رغم اینکه لیدرهای حاضر در حزب دموکرات به دلیل فشار امنیتی حمایت علنی از اعتراضات دانشجویی نخواهند کرد، اما حتماً اعتراضات دانشجویی قدرت چانه زنی این طیف را در حزب دموکرات بالا می برد و بایدن را مجبور می کند که فشار را بر نتایج برای پذیرش آتش بس بیشتر کند.

- بی تردید ادامه یافتن اعتراضات دانشجویی نقش بسیار مؤثری در کم کردن حمایت بایدن از اسرائیل خواهد داشت. امیدواریم دانشجویان آمریکا بتوانند در برابر فشارهای بسیار سنگین ساختار قوی امنیتی آمریکا هر چه بیشتر دوام بیاورند؛ شاید حمله اسرائیل به رفح منتهی شد.



محمد جهاد

فعال دانشجویی دانشجوی کارشناس ارشد روابط بین الملل دانشگاه تهران

فرزند نامشروعی که در ۱۴ می ۱۹۴۸ بوسیله تاریخ سازی، نفوذ، تحریف و تجاوز به حقوق بنیادین بشر پا به عرصه وجود نهاد، عارضه، استثنا و ضد هنجاری بود بر اصول، قواعد و هنجارهای بین المللی از این رو بطور ذاتی و فطری، بن و نهاد سقیم و ناصواب این نهال کج تا غایت نامشروع و کج خواهد رفت.

در ساختی از تحلیل، اسرائیل پیش از تبادر و تصور بعنوان یک موجودیت و عینیت جغرافیایی و سرزمینی در ذهن، غلظتی از نوعی رادیکالیسم قومی مذهبی با آمیزه ها و تفاسیری خاص از نصوص دینی است که با اختلاطی از آپارتاید و ناسیونالیسم افراطی و همچنین با بهانه جویی در ادوار تاریخ، خود را در خون فلسطین بی گناه غرق و روی جانی ها و جنایت پیشه گان تاریخ را سپید کردند.

جنون و شوریدگی این اقلیت قومی، پس از ۷ اکتبر در مقابل دیدگاه جهانیان همگان را مجاب و متقاعد کرد که تمام قوانین و رویه های بین المللی و حقوق بشری که جوهره و عصاره وجدان های بیدار اینا بشر و همچنین تلاش تاریخ برای رویه سازی و قاعده مند کردن رفتار موجودیت های سیاسی در هنگام وقوع جنگ است، می تواند برای این خون آشام تاریخی کاغذ پارهای بیش نباشد.

از همین رو عجیب نمی نماید که جنبشی جهانی به ویژه در جوامع نخبگانی که نماد ضمائر روشن انسانی هستند به خروش بر علیه این درخیم زمان به خروش در آیند.

ملقمه نقض و ابطال حقوق مسلم بشر، سیاست های اشغالی و گسترده سازی اراضی، آپارتاید و تبعیض نژادی، عبور از عدالت و ژنوساید(نسل کشی) از بارزترین دلایل بروز و ظهور این جنبش های دانشجویی در سطح جهانی هستند.

هر چند که اخیراً نشریه آمریکایی «پلیتیکو» اعتراضات دانشجویان به اقدامات جنگی اسرائیل را گسترده ترین ناآرامی های دانشگاهی از دهه ۱۹۶۰ تاکنون دانسته است با این حال آنچه تجلی عقیده صهیونیسم و در دستور کار ترویج رسانه ها و ارکان سیاسی و همسو قرار خواهد گرفت، معرفی این سنخ اقدامات بعنوان تبلیغات و یهود ستیزی است، مفهوم یهودستیزی، که ترجمه دقیق تر آن سامی ستیزی است، اساساً سنتی زاییده غرب و با ریشه هایی در الهیات مسیحی است که در تاریخ چندصد ساله ای آن، میان نفرت از یهودیان و نفرت از اعراب (سامی های مسلمان) تفاوت چندانی قائل نیست.

این «کارکرد یهودستیزی برای دولت اسرائیل» بهانه و ابزار و بهانه لازم را برای عبور از مفهوم «دشمن فرضی» که همه ی دولت ها کمابیش به آن وابسته اند و نیل به برسازي یک «دشمن عینی» و واقعی سزاوار مرگ، را فراهم می آورد.

اینجا درست آغاز توحش صهیونیسم و مرگ انسانیت است، جایی که دانشجویان از راه زنجیرهای تبلیغاتی و فشارهای سیاسی در دانشگاه های سراسر جهان به ویژه کشورهای غربی و ایالات متحده آمریکا فصل تازه ای از تحولات را در عرصه بین المللی رقم می زنند. از مواهب مصر حاضر، پیوستگی افکار عمومی و متحد بشری برای صورت دادن حرکت ها و جنبش های اعتراضی است که منجر به حق خواهی و حرکت به سوی عدالت و جلوگیری از جنایت خواهد شد.

برشمرده چند ویژگی از ماهیت حرکات اعتراضی و نهضت اخیر دانشجویان یاری رسان درک بیشتر صحنه خواهد بود:

- « خود جوش و مردمی» بودن
- تأثیر گذاری و برجستگی نقش نخبگان و دانشجویان
- فراگیر، پراکنده و جهانی بودن
- فرا ایدئولوژی بودن

تسری و گسترش متقابل از جامعه مدنی به جامعه سیاسی جهانی و برعکس

مولفه های فوق به خوبی گواه آنست که رنج مردم فلسطین امروز تبدیل به درد مشترکی شده است که پروپاگاندای رسانه ای و ثروت های فراوانی که صهیونیست ها صرف توجیه گیری اقدامات ردیلاته خود می کنند، برای خاموش کردن صدای مردم به هیچ وجه کافی نیست.

گسترده گی و اشاعه اعتراضات در میان دانشجویان و جوانان جهان شاهدی بر این ادعاست که جامعه بین المللی نسبت به اقدامات اسرائیل در بحران فلسطین بسیار حساس شده است؛ هر چند وجود متغیرهای گوناگون در پیچیدگی مسائل کنونی نظام بین الملل امکان پیش بینی قطعی را از بین برده و شرایط عدم قطعیت حکم فرماست اما می توان گفت با توجه به رویدادهای اخیر و تشدید تنش ها در منطقه، احتمال افزایش اعتراضات و ابراز نگرانی های بیشتر از سیاست های اسرائیل در قبال فلسطین میان افکار عمومی جهانی بسیار بالاست.

نفرت بشری و ناراضیاتی از سیاست های اسرائیل در مناطق مورد اشغال گناه و فریادی است که امروز گوش ظالمان را کر و چشمشان را کور کرده است، پاره کردن منشور ملل متحد در چشم جهان حاکی از اعتراف به عدم پایبندی به حقوق جهانیان است و از همین رو جوانان و دانشجویان به عنوان نخبگان جامعه امروز تأکید بر انتقاد از این نهال به غایت ناهموار و سیاست های ان را دارند و از جامعه بین المللی خواستار واکنش های قوی تری به اعمال اسرائیل می شوند.

جنگ غزه باعث بروز یک مناظره بی سابقه در میان پیروان یهودیت شده و حلالا روشنفکران برجسته ای همچون «تائومی کلین» خبرنگار کاتالیایی، استدلال می کنند که صهیونیسم «بسی دروغین است که ایده سرزمین موعود را برگرفته و آن را تبدیل به سند یک دولت ملیتاریستی - قومیتی کرده است.» کلین می نویسد: «صهیونیسم از ابتدا نوع زشتی از آزادی را تولید کرده که به کودکان فلسطینی نه به عنوان انسان بلکه به عنوان تهدید جمعیتی نگاه می کند همچون ماجرای فرعون طبق کتاب خروج که نگران جمعیت رو به فزونی اسرائیلی ها بوده و دستور به مرگ پسران آنها داد.» او می نویسد: «یهودیان از کارهایی که دارد به نام آنها انجام می شود، وحشت زده هستند. آنها وحشت زده هستند از اینکه مذهبشان بطور تبدیل به عذری برای اجرای یک

پاکسازی قومیتی شده است. آنها وحشت کرده اند از اینکه حاکم میراث آنها به مجوزی برای کشتن تقلیل یافته است. آنها از قدرتی که اسرائیل بر کنگره آمریکا، پارلمان انگلیس و هر حزب جریان اصلی دیگری در اروپا اعمال می کند وحشت زده هستند. یهودیان حالا این ادعا را که صهیونیسم مالک روایت آنها است به چالش می کشند. آنها در سطوح متعدد از بابت این اقدام متهم به خائن بودن شده اند.» به نظر می رسد که چالش قرائت صهیونیستی از یهودیت با رویداد غزه و نسل کشی ها و جنایاتی که در این باره کوچک به وسعت و بزرگی بشریت اتفاق افتاد، تعمیق شده و روز به روز در جنگ روایت ها این روایت انسانی از بشریت است که بر انواع تبعیض ها و مظالم فائق خواهد آمد. جنبش دانشجویی آمریکا جنبش وجدان های بیدار مردم سراسر گیتی، علیه رژیم صهیونیستی و حامیان امریکایی اروپایی آنان است.

اعتراضات دانشجویی در جهان علیه اسرائیل نشان از این دارد که مردم جهان به واقعیت های بحران فلسطین حساس هستند و اعتقاد دارند که اجرای حقوق بشر و عدالت اساسی می تواند به رفع این بحران کمک کند. از این رو، اعتراضات دانشجویی در جهان مبین بیداری و هوشیاری جامعه جهانی نسبت به افکار و اعمال نابرابر و سرکوب های قوم متوهم یهود در برابر مردم فلسطین است.





آنچه برای کشورهای حامی صهیونیسم دردناک است تجمعات دانشجویی نیست، بلکه طنین اسلام است؛

حقیقت جویی ۱۰ ساله

یونس فرزین فرد

سردبیر



موج اخیر اعتراضات ضدصهیونیستی در دانشگاه‌های غرب را می‌توان با جنبش دانشجویی ضدجنگ ویتنام در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در کشورهای غربی مثل آمریکا، آلمان و فرانسه در اعتراض به جنگ ویتنام دانست. جنبشی که به لحاظ فراگیری بی‌شبهات به جنبش وال استریت و جنبش ضد آپارتاید دهه ۱۹۸۰ نیست که در آن دانشجویان شرکت‌هایی را که با آفریقای جنوبی عصر آپارتاید، تجارت داشتند، هدف قرار دادند و در نهایت بیش از ۱۵ دانشگاه و دانشکده را وادار به قطع سرمایه‌گذاری با این کشور کردند. هر چند برخی مانند لورن لاساپه شیرد، استاد تاریخ در دانشگاه نیوآرلئان می‌گوید که اعتراضات طرفداران فلسطین به سطح التهاب و خشونت تظاهرات ضدجنگ ویتنام در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ نرسیده و با فشار برای سرنگونی حکومت همراه نبوده است.

گسترش جنبش دانشجویان آمریکایی به اروپا

شکل‌گیری جنبش اعتراضی دانشجویان ایالات متحده آمریکا، از دانشگاه کلمبیا در اعتراض به جنایات رژیم صهیونیستی آغاز طی دو سه هفته فراگیر شد. با این حال فراخواندن پلیس برای مقابله با دانشجویان منجر به تشدید خشونت در برخی از دانشگاه‌ها و جمع‌آوری چادرها و دستگیری و ضرب و جرح و زندانی کردن و محرومیت از تحصیل برخی از آنان شد. در ادامه می‌توان ابعاد، چرایی و اهداف این جنبش اعتراضی را توضیح داد. دامنه این اعتراضات طی هفته‌های گذشته به بیش از ۶۰ دانشگاه دیگر در سرتاسر آمریکا و برخی دیگر از کشورهای غربی و اروپایی مانند: استرالیا، (دانشگاه‌های ملبورن و سیدنی)، کانادا؛ (دانشگاه‌های مک‌گیل و کنکورڈیا)، فرانسه؛ (موسسه مطالعات سیاسی پاریس و دانشگاه سوربن)، ایتالیا؛ (دانشگاه ساپینزا)؛ انگلستان؛ (دانشگاه‌های لیدز، کالج لندن و دانشگاه وارویک) کشیده شد. گستردگی این جنبش نشانگر خشم دانشجویان آمریکا و اروپا از وسعت جنایات ضدبشری رژیم حاکم بر اسرائیل و حامیان آمریکایی - اروپایی اوست.

چرا جنبش دانشجویی دست به اعتراض زد؟

یکی از علل اساسی جنبش ریشه در شرکت جنایت‌آمیز آمریکا در کشتار غزه و حمایت و پشتیبانی مادی و معنوی از رژیم صهیونیستی دارد که با وجدان و فطرت پاک انسان‌ها از هر مرام و عقیده‌ای در تضاد و تعارض افتاده است و از آنجا که دولت‌های حامی اعم از آمریکا و اروپا و شورای امنیت، نسبت به این کشتار و ظلم فاحش در جهت حل مشکل، عکس‌العمل مثبتی نداشته‌اند، بلکه تمام لژیستیک مورد نیاز رژیم صهیونیستی را با توجه به لابی قوی آن‌ها در ایالات متحده و اروپا تامین کرده‌اند. دانشجویان و فطرت‌های پاک‌ی که این ظلم آشکار را بر نمی‌تابند، دست به اعتراض زده‌اند تا حاکمیت را به تجدید نظر در سیاست‌های حمایتی خود به اسرائیل وادار کنند. لذا این امر و به ویژه حمایت‌های رییس‌جمهور آمریکا از رژیم صهیونیستی و ظلم فاحش به مردم غزه، وجدان انسانی

دانشجویان را جریحه‌دار و به اعتراض وا داشته است. دیگر از علت‌های این جنبش را می‌توان در نوع خواسته اصلی جنبش جستجو کرد. با مطالعه آرا و نظریات گوناگونی که درباره خواسته‌های دانشجویان توسط تحلیلگران مسائل سیاسی در داخل و خارج آمریکا، ابراز شده، می‌توان این خواسته مرکزی دانشجویان را حول حمایت موسسات آموزشی و دانشگاه‌های دولتی و خصوصی از رژیم آپارتاید اسرائیل دانست. از آنجا که دانشگاه‌ها در آمریکا و اروپا عموماً دارای موقوفه‌هایی هستند که محل درآمد و سرمایه‌گذاری آنهاست، دانشجویان خواستار قطع روابط مالی با رژیمی هستند که به هیچ یک از قواعد بین‌المللی و حقوق بشر پایبند نبوده و حمایت‌های مالی دانشگاه‌ها را صرف روایتی انسان ستیزانه از قوم یهود می‌کند که حتی خشم یهودیانی که روایت نژادپرستانه صهیونیست‌ها را قبول ندارند، برانگیخته است. فعالان دانشجویی می‌گویند که شرکت‌هایی که در داخل اسرائیل یا با آن کشور تجارت می‌کنند، در جنگ جاری اسرائیل در غزه شریک هستند. چنانکه دانشجویان آغازگر جنبش در دانشگاه کلمبیا، از دانشگاه خواسته بودند که به سرمایه‌گذاری‌های خود در شرکت‌های بزرگی همچون گوگل و آمازون، به ارزش بیش از یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار در زمینه رایانش ابری با تل‌آویو پایان بدهد. نکته قابل توجه اینکه اموال وقفی کالج‌ها و دانشگاه‌های آمریکایی، ارزشی معادل صدها میلیارد دلار دارند. برای مثال، اموال موقوفه دانشگاه کلمبیا در سال ۲۰۲۳ میلادی، به رقم ۱۳ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار رسید. اکنون و در جریان حدود ۶ ماه جنگ در غزه، اعتراضات دانشگاهی بر دو موضوع متمرکز شده است، نخست اینکه چه کسی موقوفات دانشگاهی را کنترل می‌کند؟ و نکته دیگر اینکه چگونه تصمیمات مربوط به این سرمایه‌گذاری‌ها گرفته می‌شود؟ بنا به گفته یک تحلیلگر انگلیسی (دیوید هرست) دانشجویان دانشگاه ییل از این دانشگاه مطالبه کرده‌اند سرمایه‌گذاری در همه شرکت‌های تولید تسلیحاتی را که به حمله اسرائیل به فلسطین کمک می‌کنند، قطع کنند. دانشگاه ییل دارای ساز و کار تبادل دانشجو با هفت دانشگاه اسرائیلی است. هاروارد برنامه‌های مشترکی را با سه مورد از این دانشگاه‌ها داشته در حالی که دانشگاه کلمبیا روابطی را با چهار مورد از آنها دارد.

حقیقت جویی ۱۰ ساله

شاید کسی گمان نمی‌برد که در بهمن ماه سال ۱۳۹۳ قرار است چه آغازی بر آینده امروز جهان و جهانیان رقم بخورد. آینده‌ای از جنس حقیقت که شاید هیچکس فکر آن را نمی‌کرد که بتواند معادلات کشورها را متوجه خود کند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تصویری جدید از اسلام به جهانیان عرضه شد. تصویری که خود نوید حوادثی جدید را در معادلات جدید جهانی می‌داد. حدود ده سال پیش بود، فرانسه که خود را مهد آزادی بیان و حقوق بشر می‌داند با انتشار تصاویری خودساخته و خشونت بار سعی در خدشه‌دار کردن رنگ و بوی اسلام در اقصی نقاط جهان داشت. شاید در اوج آن اسلام‌ستیزی‌ها یک پیام می‌توانست مرز بین حق و باطل را برای تمامی جهان نمایان کند. آری؛ آن روزی که ولی امر مسلمین جهان برای اولین بار خطاب به فراسوی مرزها پیامی صادر کرد و آن پیام از جنس حقیقت بود. حقیقتی که با هزاران هزار تلاش در جهت کم‌رنگ کردن

آن هنوز هم پابرجاست. این حقیقت در دو جهت قابل توجه است: ۱. انگیزه‌هایی که برای سیاه‌نمایی اسلام توسط جوامع مستکبر غرب مطرح می‌گردد. ۲. شناخت بی‌واسطه از دین با پرشش از قرآن انگیزه‌های جوامع غربی را می‌توان در حوادث این دوران دریافت. ستمی که امروز بر مردم فلسطین روا داشته‌اند با هیچ واقعه‌ای در طول تاریخ این کشور قابل مقایسه نیست. بیش از چندین ماه از حملات وحشیانه رژیم منحوس صهیونیستی علیه مردم بی‌دفاع و مظلوم غزه می‌گذرد. در این مدت فراکنی‌های دولت‌های غربی و اروپایی در کنار حمایت‌های بی‌چون و چرایشان از حملات وحشیانه اسرائیل سیاست‌های حاکمیتی‌شان برای جهانیان آشکار ساخته است. ده سال پیش حقیقتی از جنس اسلام در کشمکش‌های آن روز خطاب به جوانان اروپایی و آمریکایی صادر شد و امروز جنبش دانشجویی ۷ اکتبر که سراسر جهان را فراگرفته است معلولی بر همان پیام است. پیامی که نشان داد این جوانان هستند که آینده کشور خارج از سردمداری این سیاست‌گزاران می‌سازند.

جوان، علم و دانشگاه سه عنصر جنبش دانشجویی ۷ اکتبر را تشکیل می‌دهند. جوان بودن از آن جهت که نیروی پیشران و تاثیرگذار در کشور هستند. علم داشتن از آن جهت که به دنبال حقیقت هستند و با علم به اسلام و دیدن مظلومیت مردم فلسطین و کنش دولت‌های استکباری خود برخاسته‌اند. جنبش دانشجویی ۷ اکتبر محور نهاد علم را با خود دارد. علمی که حقیقتی جدید به جهانیان عرضه می‌کند. عنصر دانشگاه از آن جهت اهمیت دارد که دولت‌ها دانشگاه را به عنوان منزله‌ای برای تحرک و پویایی یک کشور بیان می‌کنند و اکنون این نهاد دانشگاه است که در جوش و خروش دانشجویان به سر می‌برد. این نشان از آن دارد که دولت‌های مستکبر غربی دیگر آن رنگ و بوی سابق را برای شهروندان خود نداشته و نازند و در این بین جوانان و دانشجویان حلقه اولیه این تغییر و جوش و خروش را ایفا می‌کنند.

حقیقتی از جنس اسلام

جنبش دانشجویی ۷ اکتبر نشان داد که می‌توان با درک و شناخت درست از حوادث به حقیقتی از جنس اسلام پی برد و مسئله فلسطین شروع این راه بوده و هست. آنچه برای آمریکا و کشورهای حامی صهیونیسم دردناک است اعتراضات و تجمعات دانشجویی نیست بلکه طنین اسلام است که با فریادهای این دانشجویان و دانشگاهیان جلوه‌ای جدید از حق و حقیقت و اسلام برای جهانیان عرضه داشته است.

دولت‌های مستکبر از همان شروع این تجمعات و دادخواهی دانشجویان تلاش داشته و دارند تا این حرکت را حرکتی ملیتی و وابسته به جریان‌ات جلوه دهند و با تلاش در به کارگیری قدرت رسانه خود سعی در کم‌اهمیت جلوه دادن آن دارند و در تلاش برای سرکوبی این جنبش دانشجویی که فراسوی مرزها عمل می‌کند، هستند. شاید بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران مسائل غرب هدف اصلی و بنیادین دانشجویان دانشگاه‌های اروپایی و آمریکایی را صرفاً برتری در احقاق حق و رای مجامع بین‌المللی بیان کنند اما باید بدانیم که این حوادث رنگ و بویی دیگر هم دارد از آن جهت که تصاویری جدید از حمایتی که خوراک علمی و عملی دانشگاه‌های جهان را تولید می‌کنند

در اختیار همگان قرار داد. این جنبش اکنون شروع کار خود را سپری می‌کند. شروعی که شاید بنابر خطابه مقام معظم رهبری به جوانان اروپا چند سالی با تاخیر پا به عرصه گذاشته است که نشان از استعمار دولت‌های غربی جهت رسیدن نور حقیقت به مردم است. حال سوال این است، آیا این جنبش دانشجویی پس از احقاق حق مردم مظلوم و بی‌دفاع فلسطین متوقف می‌شود؟

۱. وقتی دولتی سیاستی از جنس فرهنگ ستیزی را سرلوحه کار خویش قرار داده است سعی دارد تا مفهوم و هدف این تجمعات را به شیوه و آنگونه که می‌خواهد تفسیر کند. آمریکا سالیان سال است که با متزلزل کردن مفاهیم بنیادین در دین، خانواده، جمهوری و ... شهروندان خود را تبدیل به عناصری در دست و تابع کرده است که حتی فریادی برای خود هم سر نمی‌دهند اما جنبش دانشجویی امروز هدف خود را فراتر از هر مرز کشوری جست و جو کرده است که با ستیزهای دولت‌های مستکبر غربی هم هویت خود را فراموش نمی‌کند.

۲. جامعه‌ای که مدت‌ها در خفقان به سر برده است مسلماً با هر نوری که برآمده از یک بنیاد و حقیقت باشد بر می‌خیزد. تمدن غرب آن قدر مردمان خود را در فاضلاب دنیای ماشینی غرق کرده است که این مردم با هر فریادی می‌توانند شعله‌ور گردند. حال که مسئله فلسطین به عنوان فصل الخطاب مسائل بیان می‌شود و آن را اولویتی بی‌نهایت می‌بندارند دانشجویان، دانشگاهیان و ... در سراسر جهان این نور را دریافته‌اند و در تلاش در جهت خروج از این خفقان هستند. پس مسلماً نور حقیقتی که به سختی و در میان همه سانسورها و خود رواستی دولت‌های غربی منشا شده است به این راحتی و پس از احقاق حقی متوقف نمی‌شود.

ساحت دوم حقیقت

حال که تفسیری کلی از جنبش دانشجویی ۷ اکتبر ارائه شد لازم است تا ساحت دوم این حقیقت که از جنس اسلام و قرآن است مطرح گردد.

بنابر فرمایشات مقام معظم رهبری این طور می‌توان نگاه داشت که جهان به سمت و سوی مرحله‌ای جدید از پیدایش تمدن اسلامی در حرکت است. مردم ایران حقیقت انقلاب اسلامی و نور آن را در سایه سیاهی و تباهی یافتند و دعوت آن را لبیک گفتند و امروز هم جوانان آزادی‌خواه در سراسر جهان رنگ و بویی از جنس همین انقلاب را در خود دارند با این تفاوت که در ایران می‌توان جنبش دانشجویی را به عنوان نمونه‌ای از جامعه کمی خسته دانست از آن جهت که در تعریف اهداف بنیادین کمی سردرگم است و جنبش دانشجویی در غرب را می‌توان جوانی جوینام نام در نظر گرفت که با تعریف مبانی بنیادین قدم در راهی نو گذاشته است. جنبش دانشجویی ایران و جهان رابطه‌ای دو سو به هم ایفا می‌کند. یکی محرکه دیگری است و دیگری تجربه‌ای موفق برای آینده درخشان دیگری ایفا می‌کند. بر همین اساس است که می‌توان گفت انقلاب اسلامی به جهانیان عرضه شده است و نه تنها ایران بلکه جهان به سمت و سوی ساخت تمدن اسلامی در حرکت است و این است حاصل زرق‌نگری و حکمتی بی‌پایان از رهبر انقلاب اسلامی که از سال‌ها پیش فریاد دادخواهی دانشجویان در سراسر جهان می‌دید و می‌شنید.